

پس سینه شمشیر را چنان سخت در مسندت بر لبی من
در حلقه ظاهر شد است شمار از موشان مجبار را تو میک
خواست دیدن خود را که نجات یافتند و باقیمانده برادران
ایشان که دیگر سلیله نکرده چشم افشاندند خواند گفت
ناجیان که برادر ما صلوات میگردد تا با ما و او اصرام
میکردند با ما و عمل میکردند با ما و زیاد کرده که کرده است
حاکم در روایت خود که میگردد با ما و جهاد میکردند با
و این برادران ما غارت شدند و در تاراج آمدند گفت جبار
بروید پس کسی را بیاید در و منتقل دنیا را از ایمان بر شای
کنید و از آنرا برین غایت آمد و خوانند دید و حرام نموده
اند و تقصیرهای موشان را بر ما و تباریل نشود چیزی تا
ایشان و بعضی غائب شدند در زمان ما قدم و بعضی تا
نصف ساق و زیاد کرده حاکم بعضی تا که و بعضی تا

و این بر شای
بروید پس کسی را بیاید

که بر شای خوانند نمودن جان کسانی که خوانند شمشیر
بعد از آن معادوت خوانند نمود بسوگرت پس گفتند خوانند
یعنی بر خوانند گفت بروید پس کسی را بیاید در و
منتقل نصف دنیا را از ایمان بر شای آری او را پس
خارج خوانند نمود کسی که خوانند شمشیر بعد از آن معاد
خوانند نمود بسوگرت پس گفتند بروید پس کسی را بیاید
در و این بقدر فریه از ایمان بر شای کند او را پس
خارج خوانند کرد کسی که شمشیر اندک گفت ای بر شای
که راومی این شمشیر است که تصدیق من نمیکند بر شای
است الله لا یظلمه شیئاً فریه و آن یک سینه
یضا عفا بر شای شفاعت خوانند نمود نبیون و ملائکه
و موشان پس خوانند گفت جبار باقی مانده شفاعت من
پس از قصه خود خوانند گفت جبار از ما بر شای خوانند

و این بر شای
بروید پس کسی را بیاید

Copyright © King Saud University

کر